

## مقابله با تحریف «وعدۀ صادق» به روایت هنرمندان

هدف از برگزاری رویداد هنری «وعدۀ صادق» انعکاس دقیق و درست این عملیات بزرگ است

#### رها کشاورز

عملیات «وعدۀ صادق» که در بسی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق انجام شد، نقطه عطفی در مواجهه ایران با رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که دارای ابعاد بین‌المللی است. از این رو برگزاری رویداد ملی تولید آثار هنری «وعدۀ صادق» می‌تواند راهگشای انعکاس و روایت دقیق و درست این عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز باشد.

«وعدۀ صادق»، عملیاتی است که نقطه عطفی در مواجهه ایران با رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود؛ عملیاتی که منجر به احیای بازار ندگی و تقویت موازنه نیروها به نفع ایران و محور مقاومت شد.

اما این عملیات چطور کلید خورد؟ سؤالی که پاسخی مشروح دارد، اما مفید و مختصر ش این است که حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در دمشق در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ و شهادت سردار زاهدی و همراهانش، عبور از خط قرمز قلمداد می‌شد که باعث شد ایران ضمن بازبینی در محاسبات پیشین در گذار از نبرد در «ناحیه خاکستری» تصمیم به اقدامی مستقیم و آشکارا علیه سرزمین‌های اشغالی فلسطین بگیرد.

در این عملیات حدود ۱۲۰ موشک بالستیک، ۳۰ موشک کروز و ۱۷۰ پهپاد به سوی فلسطین اشغالی پرتاب شد و به اذعان رسانه‌های صهیونیستی، حداقل هفت موشک بالستیک به اهداف نظامی از جمله پایگاه هوایی ناتیم اصابت کرد.

عملی کردن این اقدام، موجی از نگرانی‌ها را در کارشناسان و اندیشکده‌های آمریکایی برانگیخت و آنها دستاوردهای این عملیات را برای ایران



#### امین سلیمانی‌فارسانی

«سنجاب» نمایشی است که در قالب درام اجتماعی اتفاقات گذشته و آینده خانواده‌ای را رقم می‌زند که درگیر موضوعی می‌شوند. این نمایش که تا ۲۵ خرداد در تماشاخانه ماه حوزه هنری روی صحنه رفت به روایت راز باغی می‌پردازد که پس از ۴۰ سال در یک شب تاریک برای همه برملا می‌شود.

مهدی روزبهانی کارگردان این نمایش در خلاصه داستان «سنجاب» آورده است «وقتی برق رفت به اداره برق زنگ نزنید، شاید تاریکی همیشه هم بد نباشه» و همین جمله کوتاه دستمایه پرداخته‌های زیبای نمایشی می‌شود که به خوبی با مخاطب برقراری ارتباط و آن را با خود به اعماق قصه غرق می‌کند.

قصه پردازی درست در هنرهای نمایشی یکی از اصول مهمی است که گاهی از آن غافل و در نهایت تنها اسیر فرم و حرکت می‌شویم، این در حالی است که سنجاب علاوه بر سودجویی از ظرفیت‌های قصه پردازی، میزانسن‌های متناسب با آن را به کار می‌گیرد تا مخاطب روی موج نرم و پرهیجان سحرآمیز تئاتر سوار و در مقصد مورد نمایش پیاده نشود. این مهم با کارگردانی خوب روزبهانی و استفاده درست از ظرفیت‌های فردی بازیگران نمایش و برقراری رشته ارتباط هجا و آنتگن میان آنها محقق شده است.

### سنجاب؛ قصه‌گوی دوست‌داشتنی

قلم لیلاروغنگیر قزوینی به عنوان نویسنده نمایش سنجاب همانند مادر بزرگی مهربان از گذشته‌های دور و روزگار قصه‌پردازی‌های فولکلور عمل می‌کند و دست مخاطب را می‌گیرد و با خود به میان شخصیت‌های داستان می‌کشاند. روغنگیر قزوینی که با آتارش بارها در جشنواره‌ها و رویدادهای مهم هنرهای نمایشی کشور مورد توجه قرار گرفته است. در این نمایش که یکی از آثار برگزیده جشنواره تئاتر رضوی است بار دیگر بیننده را مجذوب و شگفت‌زده می‌کند.

این مولدرام اجتماعی- خانوادگی به اتفاقی با محوریت وراثت و سهم‌خواهی در خانواده‌ها می‌پردازد. موضوعی

### پرداخت هنرهای نمایشی به مسائل اجتماعی یکی از مهم‌ترین وظایف ذات حقیقی آن است

پرداخت هنرهای نمایشی به مسائل اجتماعی یکی از مهم‌ترین وظایف ذات حقیقی آن است که به دلایل گوناگون کمتر شکل می‌گیرد، اما سنجاب این جسارت را به خرج داده تا به این موضوع ورود کند و یکی از بیشمار خردهای مر تبط با آن را بیرون بکشد و واکاو کند.

که افراد زیادی در جامعه با آن درگیر هستند و لازم بود تاد قالب هنرهای نمایشی به آن پرداخته شود، چراکه موضوعی است که عموم جامعه با آن مواجه شده یا دیر یا زود با آن روبه‌رو می‌شوند. پرداخت هنرهای نمایشی به مسائل اجتماعی یکی از مهم‌ترین وظایف ذات حقیقی آن است که به دلایل گوناگون کمتر شکل می‌گیرد، اما سنجاب این جسارت را به خرج داده تا به این موضوع ورود کند و یکی از بیشمار خردادهای مرتبط با آن را بیرون بکشد و واکاو کند. توجه نکردن عموم آثار تولیدی هنرهای نمایشی کشور به موضوعات اجتماعی آن هم در چارچوبی پویا و متعادل وارد و در راستای اجرای این نمایش بیش از شرایط مطلوب و زمانی، دلنشین و جذاب شود.

ماهیت وجودی تئاتر تلاش می‌کند تا مخاطب خود را که عموماً از جنس مردم اندیشمند است از دریچه تازهای با هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی روبه‌رو و برایش اینگونه به بهبود سلامت روانی جامعه کمک کند. هنر تئاتر این است تا مخاطب را به تلاش برای دانشن جامعه‌ای پویا و متعادل وارد و در راستای آرمانشهری که همه به آن نیاز داریم، سوق دهد. مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری در دو سال گذشته با حمایت از آثاری با موضوعات اجتماعی یاریگر خوبی در تحقق این ماهیت و ذات حقیقی تئاتر بوده و خواهد بود.



نقد و بررسی کتاب «زمان بیست»

## روزی روزگاری «یادگاری»!

آن قرار دارند. زحمت مکتوب‌سازی و تدوین اثر را لیلایا کریمیان به عهده گرفته و به همت حوزه هنری اصفهان نیز به چاپ رسیده است. روایت یک‌دست و یک‌پارچه از زاویه اول شخص روایت می‌شود و مقطع به مقطع خاطرات سوزه از زمان شروع فعالیتش در سپاه خائن تا دهه ۸۰ را به تصویر می‌کشد.

نویسنده از زمان فعالیت جناب یادگاری در سپاه خائن روایتش را شروع می‌کند. چند بخشی را به دوران کودکی و پیشینه خانوادگی سوزه اختصاص داده و سپس به طور مفصل حضور ایشان در جبهه‌های جنوب و غرب را روایت می‌کند و در آخر هم پرورنده کتاب با مختوم شدن به بخش متأخر زندگانی سوزه بسته می‌شود. قطعات خاطرات براساس تاریخ و مکان وقوع بخش‌بندی شده‌است. وقایع جز به جز مکتوب شده‌اند و همین شیوه تفصیلی در روایتگری باعث تورم کتاب شده و حجم اوراق کتاب را به چهار صد و اندی رسانده است.

کتاب از لحاظ روانی قلم نمره قابل قبولی دریافت می‌کند. از منظر تاریخ و استناد هم به دلیل حضور متعدد سوزه در مقاطع مهم و مواجهه با افراد خاص در تاریخ از اهمیت قابل توجهی

|شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ | ۸ دی‌العه ۱۴۴۵



نگاهی به کتاب «سه دیدار» اثر نادر ابراهیمی

### مست بی‌باده

#### رعناقمیه

«من اگر چندین و چند کار را با هم، توأم و هم‌زمان انجام ندهم، اصلاً قادر نیستم کاری انجام بدهم. دو ساعت که به داستان می‌پردازم، داغان می‌شوم، مغزم از کار می‌افتد. تیوغ یا استعداد ذاتی نویسنده‌گی ندارم - ابتدا بلند با جان‌نندن و مشتقت می‌نویسم. این است که بعد از دو ساعت وامی‌مانم و بلافاصله خط عوض می‌کنم. ۱۰ صفحه یا بیشتر می‌خوانم و یادداشت‌برداری می‌کنم. بعد می‌روم دنبال کارهای تحقیقاتی‌ام و رادر یکی از زمینه‌ها می‌گیرم. یکی دو ساعت کلنجار می‌روم، چند ورق می‌نویسم یا چر کننویس می‌کنم. وقتی مغز کوچکم از کار افتاد، می‌روم سر وقت خطاطی. برای رفع خستگی، کمی خط می‌نویسم. به نشاط می‌آیم. اگر تمایل به ادامه داستان نویسی در من پدید آمده‌اند، باز چند سطر می‌نویسم. بعد می‌روم سراغ حرفه محبوب ادبیات کودکان و مسائل کودکان. یادداشت‌هایم را تنظیم می‌کنم یا چیزهایی می‌افزایم، فکرهای تازه می‌کنم و زمانی که دیدم دیگر نمی‌توانم در این راستا فکر کنم، آن وقت می‌روم سرر وقت کارهای سینمایی، فیلم‌نامه‌نویسی، مقالات و کتاب‌هایی در باب سینما... و به همین ترتیب حرکت می‌کنم.»

درست یک‌سال بعد از این شرح نسبتاً مفصل نادر ابراهیمی درباره روزهایی که به نوشتن می‌گذرانند و رنجی که برای نوشتن داستان‌هایش به جان می‌خرد، جلد اول رمانی بلند از او منتشر شد که بسیار جسورانه به نظر می‌رسید، «سه دیدار». رمانی سه جلدی که شخصیت اولش، در آن سال‌های پرتلاطم، رهبر انقلاب تازه به‌یار نشسته ایران بود. هر چند اولین جلد رمان در ۱۳۷۶ به چاپ رسید، اما نادر نوشتن «سه دیدار» را در ناخودآگاه درونش از خرداد ۱۳۴۲ آغاز کرد. روزهایی که «مام» خمینی برای او و دیگران، هنوز «پتالله» خمینی بودا و هر چند خود از مبارزان علیه رژیم پهلوی به حساب می‌آمد اما نه صرفاً به چشم الگویی مبارزاتی که انگار از روی نوعی شیفتگی، امام و هر آنچه درباره او اتفاق می‌افتاد را دنبال می‌کرد. شیفتگی نسبت به شخصیت مردی که از قضا در رأس مبارزه علیه رژیم هم قرار داشت، کاری که نادر از رزنمند، ملی و انسانی می‌پنداشت. نتیجه، جذابیتی دوجندان بود که نادر را به خواندن همه مطالب روزنامه‌ها و رسانه‌ها در باره امام، اقداماتش، تفکراتش، سخنرانی‌ها و نظریه‌هایش می‌کشاند. نادر مجموعه‌ای داشت از تکه روزنامه‌هایی که سال‌ها و روزها از امام و هر آنچه پیرامون او می‌گذشت، جمع‌آوری کرده بود.

سال ۵۷ تصمیم گرفت از ماحصل آنچه در ارتباطی دور اما نزدیک و ۱۵ ساله بین او و امام، درباره او، زندگی و شخصیتش درک کرده، «دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آید» را بنویسد، اما پیروزی انقلاب اسلامی فرصت را از او گرفت. حوالی ۲۰ سال بعد، دوباره پیشپشاهی او را به نوشتن درباره مردی که به او باور داشت، ترغیب کرد و نادر جلد اول و دوم «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آید» را بین سال‌های ۷۵ تا ۷۷ تمام کرد. در مستی و خواب و خیال بعد از انتشار این دوجلد، خودش که در آستانه مرگ هم ایستاده است، می‌گوید: «البته من پیش از سه دیدار، «مردی در تبعید ابدی» را نوشتم. آن داستان هم‌مان مردی در تبعید ابدی را می‌گویم. مرابا چه قدر کافی خرد و خمیر کرد، چراکه مصمم بودم به ادراکی از فلسفه ملاصدرا برسم و ساختمان داستان را براساس همان ادراک فلسفی بنا کنم. در این راه سختی‌های بسیاری کشیدم، به هر حال پس از آنکه «مردی در تبعید ابدی» تمام شد، قدری شفا یافتم و بر آن شدم که تا زنده‌ام، آرام آرام روی همین گروه از شخصیت‌های مهمتم کار کنم، یعنی شخصیت‌های فلسفی، مذهبی که اسباب فخر فرهنگ ملی ما هستند. پس از ملاصدرا متمرکز شدم روی شیخ اشراق که از جوانی به دلایلی با او انس و الفتی داشتم، ولی تا خودم را جمع کردم که خیز بردارم طرف شیخ اشراق، آقای زم چنانکه گفتم، به‌من گفت روی زندگی حضرت امام(ره) کار کنم که کاری است کارستان. با راستی خاطر کردنی بود، غریب و من هنوز مست اینم که قدمی در این راه برداشتم یا خیر، فقط خیالی می‌بافم و خواب می‌بینم که دو جلد از این داستان ویران‌کننده را پیش‌رو دارم و هیچ نمی‌دانم که چند جلد دیگر خواهم نوشت.»

او برای این خطر کردن غریب، بیش از ۵۰ هزار صفحه خواند، ۱۳۰ جلد کتاب را بررسی کرد، افراد زیادی را ملاقات و با آنها مصاحبه کرد و انبوهی یادداشت و مقاله برداشت و نتیجه روایتی است عمیق از آنچه در کودکی و جوانی بر روح‌الله گذشت تا او را به شخصیتی عظیم در کهنسالی برساند.

«جعت به ریشه‌ها»، جلد اول این داستان بلند، کودکی امام خمینی و ریشه‌هایی که از او شخصیتی بلند ساخت را نسر دست می‌گیرد. بزرگ‌شدن او، دیدارش با سیدحسن مدرس، زمانه و زندگی نیاکان و پیشینیان امام خمینی، گریز کوتاهی به مبارزات جوانی‌اش و در نهایت ماجرای بیرون بردن همسر رضاخان و زنان درباری از حرم حضرت معصومه(س) تحت رهبری او در جلد اول روایت می‌شوند.

جلد دوم «در میانه میدان» به دوران جوانی و آغاز مبارزات او می‌پردازد. خاطراتی از پدر امام خمینی بیش از تولد او و روایت افکار و منش عملش، به عنوان شخصیتی اثرگذار در ذهن و روح امام خمینی را روایت می‌کند و گریزی می‌زند به دوران مبارزاتش در جوانی و راهی شدنش به حوزه برای تحصیل. جلد دوم روایت زندگی شخصی و روزگاری است که بر خمینی نوجوان گذشته است. از بیماری و مهاجرت و تنهایی تا مبارزه و تحصیل. هرچه برای او زمینه‌ای برای رسیدن به رهبری یک انقلاب عظیم ساخت.

نادر، تابستان ۱۳۷۶ در مصاحبه‌ای با مجله «ادبیات داستانی» درباره نوشتن «سه دیدار» صحبت می‌کند و می‌گوید: «این فشرده تمام توانایی‌ها و باورهای من در باب داستان است. داستانی که مرگ هیچ‌گاه فرصت نوشتن جلدی دیگر از این داستان ویران‌کننده را به او نداد و این رمان بلند غریب برای همیشه ناتمام باقی ماند.